

سرمقاله

اجلاس ریکا و چشم انداز

توسعه اقتصادی در افغانستان

حفیظ الله زکی

ششمین اجلاس ریکا یا کنفرانس همکاری های اقتصادی منطوقی برای افغانستان امروز در کابل برگزار می شود. کنفرانس «ریکا» از سال ۲۰۰۵ میلادی شروع به کار کرده و تا هنوز پنج نشست آن به ترتیب در کابل، هند، اسلام آباد، استانبول و دوشنبه برگزار شده است.

پروژه احیای راه لاجورد، پروژه چاه بهار، خط آهن پنج جانبه افغانستان، چین، قرغیزستان، تاجکستان و ایران، خط راه ابریشم، خط آهن افغانستان، تاجکستان ترکمنستان و مسئله کاروکارگران افغانستان در کشورهای خلیج، از برنامه های مهم افغانستان است که در کنفرانس روی آن بحث خواهد شد. افغانستان دارای مردمی به شدت فقیر و دارای آمار بالای بیکاری است که از طریق جلب کمک های خارجی حدود نیمی از بودجه عادی و تمام بودجه اکتشافی خود را تأمین می کند. مهمترین موانع برسر راه توسعه اقتصادی افغانستان به چند مسأله ارتباط می گیرد:

- ۱- تا امني های مداوم و رو به گسترش در افغانستان امکان سرمایه گذاری و تطبیق بسیاری از پروژه های کلان اقتصادی را کاهش داده است. فساد و ریشخه های عمیق آن در نظام اداری کشور، سیستم اداری را ناکار آمد ساخته و میلیون ها دالر سرمایه مردم را به هدر داده است.
- ۲- کشت و قاقاق مواد مخدر در کشور و روند رو به افزایش آن، هم اکنون افغانستان را در صدر کشورهای تولید کننده و قاقاق کننده مواد مخدر در جهان تبدیل کرده است. این مشکل جریان اقتصاد قانونی را ضربه زده و چرخه غیرقانونی و کاذب از اقتصاد غیر رسمی را در کشور به حرکت در آورده است.
- ۳- تمام قوانین و بخصوص قانون تجارت در افغانستان مربوط به پنجاه - شصت سال پیش بوده و با توجه به رشد سریع اقتصاد جهانی به هیچوجه پاسخگوی نیازمندی های اقتصادی و تجاری امروز نیست و به این دلیل سخت به اصلاحات و بازنگری جدی ضروری دارد.
- ۴- حاکمیت تمایلات قومی، ستمی، گروهی و در نظر گرفته نشدن قانون، از مسایل دیگری است که روند سرمایه گذاری در کشور را با مشکل روبرو کرده است.
- ۵- اراده جدی حکومت برای رشد اقتصادی و قرار دادن کشور در خط توسعه وجود ندارد. مقامات حکومتی، منافع شخصی را در کشور محور قرار داده و به زد و بندهای سیاسی بیشتر اهمیت داده اند.

تا هنوز کنفرانس های زیادی در سطح بین المللی برای افغانستان دایر شده است. پنج اجلاس همین کنفرانس نیز در گذشته دایر شده و فیصله های قابل قبولی هم در آن اجلاس ها صورت گرفته است. اما بدینسانه که از یک طرف حکومت افغانستان اعتماد کشورهای منطقه را در تدوین و اجرای سیاست های اقتصادی به دست نیاورده و از سوی دیگر ظرفیت لازم برای تطبیق پروژه های زیر بنایی را به وجود نیاورده است. همانظوری که چهارده سال گذشته بیش از هفتاد در صد کمک ها یا در غرقاب فساد از بین رفته است و یا به امورات غیر ضروری به مصرف رسیده، هیچ اطمینانی وجود ندارد که امروز نیز دستاورد سرمایه گذاری در پروژه های کلان اقتصادی در باتلاق فساد و فقدان ظرفیت های لازم از بین نرود.

۶- چالش کلان تر از آن این که برخی کشورهای منطقه در اجرای بعضی از پروژه های اقتصادی در افغانستان موافق نیستند و از راههای گوناگون سعی می کنند، در مسیر اجرای آنها مانع ایجاد نمایند. تضاد منافع کشورهای منطقه در افغانستان تا هنوز مشکل زیادی را بر سر توافق روی پروژه و تطبیق برخی دیگر خلق کرده است. اکنون که ششمین اجلاس ریکا برگزار می شود، فیصله های قبلی شان هنوز نه اجرایی شده و نه اراده ای برای تطبیق آنها موجود می باشد. بنابراین فیصله هایی که تنها در روی کاغذ محدود بمانند چه تأثیری روی توسعه اقتصادی افغانستان خواهد داشت؟

در کنفرانس امروز کابل بیشتر روی میکانیسم های تعقیب، نظارت و پیگیری تأکید می شود و تلاش می شود تا برای عملی شدن پروژه ها یک اجماع منطوقی به میان به وجود بیاید. با همه این چالش ها و موانع بازمه ما امیدواریم که این کنفرانس بتواند روزنه امیدی را برای آینده اقتصادی کشور باز کند و زمینه های کار را در کشور فراهم سازد.

فرصت ها و موانع همکاری اقتصادی کشور های منطقه در افغانستان

علی قادری

Kabul, 3-4 September 2015



The Silk Road through Afghanistan

6th Regional Economic Cooperation Conference on Afghanistan

امروز، ششمین کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه برای افغانستان مشهور به ریکا در کابل به میزبانی وزارت امور خارجه کشور برگزار می شود. این کنفرانس در حالی برگزار می شود که بعد از شکل گیری حکومت وحدت ملی وضعیت اقتصادی در کل رو به وخامت گذاشته است. حال سوال این است که آیا کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه برای افغانستان قادر به نجات اقتصاد کشور از رکود اقتصادی خواهد بود؟ چه موانع فرا راه اقتصاد کشور برای رشد و توسعه وجود دارد؟ آیا همکاری های اقتصادی منجر به کاهش تنش ها در منطقه به صورت عام و افغانستان به صورت خاص خواهد شد؟ در این نوشتار سعی می شود با نگاهی وضعیت امنیتی و اقتصادی کشور پاسخ به سوال های مذکور ارائه نمایم.

کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه برای افغانستان اهمیت اساسی برای منطقه و به خصوص افغانستان دارد. زیرا، این همکاری اقتصادی افغانستان را به شاهره روابط آسیایی جنوبی و آسیایی میانه تبدیل می کند. زمینه های حضور افغانستان در بازار منطقه از جمله در بندر گوادر پاکستان و بندر چابهار را فراهم می کند. افغانستان از طریق همکاری های اقتصادی منطقه فرصت انتقال پایپ لاین گاز از آسیایی به آسیایی مرکزی و آسیایی جنوبی را به دست آورد. در عین حال، افغانستان به عنوان کشور ترانزیت کالا میان آسیایی میانه و آسیایی جنوبی می شود. بنابراین، این کنفرانس برای افغانستان اهمیت حیاتی و استراتژیک دارد. اما فرا راه همکاری های اقتصادی منطقه در افغانستان موانع و مشکلات اساسی و جدی وجود دارد.

یکی از جدی ترین موانع فراراه این همکاری های اقتصادی منطقه در افغانستان ناامنی است. افغانستان از گذشته ظرفیت های رشد افراط گرایي را در خود داشته است. بیشتر های اجتماعی برای رشد و ظهور هر نوع بنیادگرایی و افراط گرایي فراهم است. القاعده، گروه طالبان، حزب اسلام گلبدين حکمتیار به عنوان گروه های افراطی و دهشت افکن بوده است که در جامعه افغانستان رشد و به حیات خود ادامه داده است. گروه داعش به عنوان یک گروه افراطی تر از گروه های مذکور جدیداً آغاز به فعالیت کرده است. حضور و فعالیت

این گروه ها در افغانستان بدین معنی است که بستر های اجتماعی برای رشد گروه های دهشت افکن در افغانستان فراهم است. این گروه ها به عنوان مانع برای همکاری های اقتصادی در افغانستان مطرح می باشد. حضور و فعالیت این گروه های دهشت افکن در افغانستان هم منجر به ناامن شدن افغانستان و هم تضعیف حکومت مرکزی را در پی داشته است. در ضعف حکومت مرکزی و قادر نبودن حکومت در اعمال حاکمیت در سراسر افغانستان فرصت سرمایه گذاری را برای خیلی از کشور های منطقه گرفته است. بنابراین، گروه های افراطی و دهشت افکن به عنوان مهمترین و اساسی ترین مانع تحقق اهداف کنفرانس ریکا در افغانستان مطرح می باشد. مانع دیگر فساد گسترده در سطح دولت و جامعه است. کنفرانس همکاری اقتصادی منطقه فرصت سرمایه گذاری و استخراج کشور است. بنابراین، سه عامل عمده و

شود که سرمایه گذاری و استخراج معادن در موارد زیاد به بن بست مواجه گردد. این ششمین کنفرانس همکاری اقتصادی منطقه برای افغانستان است اما تا هنوز شاهد رونق اقتصادی نبوده ایم. یکی از دلایلش فساد گسترده در سطح حکومت و به خصوص در قرارداد وزارت خانه ها است. بنابراین، نتیجه این کنفرانس در صورت معسوس و عینی خواهد بود که حکومت در مبارزه با فساد جدی باشد. مبارزه با فساد نیازمند اراده سیاسی است. اینکه از روحانیون بخواهیم در برابر فساد جهاد اعلان نماید یک امر خنده دار است. سیاست خارجی بی ثبات و نابسامان کشور یکی دیگر از موانع فراراه همکاری های منطقه در رشد اقتصادی کشور است. گمان نمی رود که هند به صورت گذشته به همکاری اقتصادی خود در افغانستان ادامه دهد. دلیل آن بدون شک، سیاست خارجی بی ثبات افغانستان در قبال این کشور است. بنابراین، سه عامل عمده و

نیز در افغانستان کاهش یابد. اما در صورت که همکاری اقتصادی در افغانستان در سطح خرد باقی بماند و منافع مشترک میان کشور ها ایجاد ننماید، نه تنها امنیت کشور بهبود نمی یابد، بلکه ممکن است برای دست یابی به منابع طبیعی افغانستان با هم به رقابت بپردازند و نتیجه این رقابت تبدیل شدن افغانستان به میدان جنگ کشور های منطقه گردد. با این حال، همه چیز بستگی تام و تمام به چگونگی بازی افغانستان با کشور های منطقه دارد. اینکه افغانستان چه سیاست را در پیش می گیرد تا کشور های منطقه متقاعد شود در افغانستان سرمایه گذاری نماید و همکاری های اقتصادی خود را افزایش دهد.

با این حال، همکاری اقتصادی در افغانستان ظرفیت افزایش تنش را نیز دارد. در یک طرف، هند و ایران قرار دارد که دوست دارد افغانستان بیشتر ترانزیت کالا های خود را از طریق بندر چابهار انجام دهد. در طرف دیگر، پاکستان قرار دارد که دوست دارد افغانستان از طریق بندر گوادر و بندر کراچی ترانزیت کالای تجاری خود را انجام دهد. بنابراین، چگونگی بازی افغانستان در استفاده از این دو بندر تجاری می تواند، ظرفیت تنش را در کشور به حد اقل برساند. اما در صورت که حکومت افغانستان این مهم را در نظر نگیرد، احتمال دارد که این کشور ها دست اندازی نماید و از رشد اقتصاد کشور جلوگیری نماید.

بنابراین، کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه برای افغانستان مشهور به ریکا اهمیت اساسی و استراتژیک برای افغانستان دارد. در یک طرف موانع فرا راه این همکاری وجود دارد و در طرف دیگر، نوع سیاست حکومت. اینکه حکومت قادر به جلب اعتماد کشور های منطقه برای سرمایه گذاری در افغانستان خواهد بود یا خیر. با این حال، چند روز آینده مشخص خواهد شد که آیا کشور های منطقه حاضر به سرمایه گذاری و افزایش همکاری اقتصادی در کشور خواهد شد و یا اینکه همکاری های اقتصادی منطقه در افغانستان کاهش خواهد یافت. امیدوارم که سیاست مداران افغانستان این فرصت را درک نمایند و با سیاست های عقلانی و مدبرانه قادر به مجاب کشورها در سرمایه گذاری در کشور گردد.

صنعت فرهنگ سازی و الگوی کلی فرهنگ توده

تتودور و. آدورنو / ترجمه: فرهاد سلمانیان / قسمت چهاردهم و پایانی



انسان هایی که آن ها را بازتولید می کند، ویژگی شیءواره می بخشد، برای نمونه حتا آنجا که دندان های آن ها به محصولی چون خمیر دندان نیاز ندارند یا چین و چروک اندوه صورت شان، بلافاصله مواد آرایشی ضدچروک نمی تولید. کسی که به تعاشای قبلی می رود، در انتظار است که این طلسم شیءوارگی زمانی شکسته شود، و شاید در نهایت نیز چنین انتظار عمیقاً مسکونی باشد که مردم را به سینما می کشاند. اما در سینما مخاطبان در موضع حرف شنوی و پیروی تصویرها قرار می گیرند. آن ها به مردهای شباهت می یابند. به این ترتیب، در دسترس فرهنگ توده قرار می گیرند. تقلید، نشنگی معماگونه-بی محتوای هواداران فرهنگ توده را توضیح می دهد. نشنگی و از خود بیرون شدگی، موتور محرک تقلید همین عامل، و نه خودبستگی و فردیت، قربانی فرهنگ توده را به رفتاری خاص وامی دارد که پسادور جهش های رقص سنت ویتوس [۷۷] یا جست و خیزهای حیوانات مثله شده است. در اینجا، حالت ها با حرکت های وجدآمیز گرفتارشدگان آن یکسان نیستند، اما با وجود این، پرشورترین نمایش آن ها هستند: تحت فشار نامحدود، وحدت شخص از بین می رود و از آنجا که این وحدت خود نیز تشریف فشار بیرونی است، وضع اخیر را همچون رهایی احساس می کنند. برای نمونه، وقتی مردم با موسیقی جاز می رقصند، دیگر برای حس لذت یا خلاصی نمی رقصند، بلکه بیشتر حالت های افرادی با حس لذت را به نمایش می گذارند، یکسره مانند بازی در فیلم که حالت های منفرد و تمثیلی به خودی خود شیوه های رفتاری را به نمایش می گذارند و دقیقاً همین، خودرهایی است.

حاضران صحنه رقص، تقاب فرهنگی عرضه شده به خود را به چهره می زنند و همان افسونی را به کار می بندند که علیه آن ها به کار رفته است. آن ها در سازگاری با خشونت آبرقدرت ووار اقلیت قدرتمند به جمع بدل می شوند. نظام ترور، پیوسته از لابه لای حالات منجمد و سخت تقاب های فرهنگی، تهدیدآمیزتر

سرنوشت محتوم هستند. آن ها فرهنگ را به دروغ فراگیر تبدیل می کنند، اما کذب فرهنگ، خود، حقیقت را در مورد زیربنای اجتماعی-اقتصادی ای فاش می کند که اکنون خود نیز با آن یکسان شده است. اعلان های نونی تبلیغات، روشنائی هایی که بر سراز شهرها کشیده اند و با نورشان روشنی طبیعی شب را مفلوب کرده اند، شهاب سنگ هایی هستند که برخورد آن ها با شهرها، فاجعه ای که مرگ در یخبندان را بشمارت می دهد. اما تیرهای بالای این شهاب سنگ ها از آسمان فرو نمی بارند. آن ها از روی زمین هدایت می شوند. در پایان، این به انسان ها بستگی دارد که آیا می خواهند با آن بین بردن آن ها به این وضع پایان بدهند و از کابوس بیدار شوند یا خیر. کابوسی که تنها تا آن زمان خطر تحقیقش نیز وجود دارد که انسان ها به آن یاباوردارند.

تجاری هنوز کاملاً او را فرسوده نکرده، گاهی از دریافت تلگرام وحشت زده می شود. پیکره ی زبانی مثله شده ای اطلاعات در چنین پیامی برای انتقال بیشترین حجم داده ها، همراه با فوریت تحویل آن به گیرنده، در کنار یکدیگر شوک سلطه ای بی درنگ بر گیرنده را به شکل سلطه ی وحشت جاجوردگی توزیع می کنند و ترس از فاجعه ای که تلگرام ممکن است خبر آن را بدهد، تنها پویشی برای ترس از فاجعه های همه جاحاضری است که هر زمان ممکن است گریبان هر فردی را بگیرند. در برنامه های رادیو، نظام اقتدار جامعه در پس اجرای هر گوینده بی درنگ حاضر است و بی هر اعتراض علیه شنوندگان به کار می رود.

همان تروری همان تروری که رفقیان ملت در همه ی سرزمین ها برای مقابله با آن آماده می شوند. گاهی در هر خنده نیز تهدید باج خواهی ظنین می اندازد و چنان افراد مضحکی نشانه های روشن مسخ شدگی انقلابیون هستند. مشارکت در خود فرهنگ توده نیز در شرایط نظام ترور صورت می گیرد. اینجا، شیفتگی تنها شامل این سخت کوشی نیست که ناخود آگاه دستورهای بالادستی را بخوانند، بلکه ترس از انحراف و سرپیچی از آن و وحشت از گرایش به خواسته های نامتعارف نیز هست. گرایش های نامتعارفی که برای نمونه قاتل هوسرانی که معشوقه اش را کشته نیز، با جهد فراوان می کوشد خود را از سوزن گرفتاری به آن ها برهاند. همین ترس، بالاترین آموزه ی دوران نظام فاشیستی، از پیش در بطن خود ارتباطات تکنولوژیک نیز جای گرفته است. کسی که عرض اندام صنایع بزرگ

کارتون روز



بدون شرح

۹۳

Footer with contact info, website URL, and logos for Outlook Afghanistan and The Daily Afghanistan.